info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۰۸۶
پنجشنبه ۹/ تیر/۱۴۰۱
۳۰ / ذوالقعده / ۱۴۴۳
30 / June / 2022

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۲۳۸۳۸-۳۲۵۲۴۲۴۲-۰۲۶-۳۲۵۲۰۱۰۱ فکس: ۳۲۵۲۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۵۸/۲۲
چاپ: کارگر

خاطره

امروز با حافظ

به جانِ خواجه و حق قدیم و عهدِ درست
که مونس دم صبحم، دعای دولت توست
سرشک من که ز طوفان نوح دست بَرَد
ز لوح سینه نیارَست نقشِ مهرِ تو شُست

خواندن

چرا از حال من و رنج من نمی‌پرسی؟
که هر شبی ز عرض بر تنم شبیخوست

مجیرالدین بیلقانی

اذان صبح | طلوع آفتاب | اذان ظهر | غروب آفتاب | اذان مغرب
۰۴:۰۷ | ۰۵:۵۳ | ۱۳:۰۹ | ۲۰:۲۶ | ۲۰:۴۷

برگه

تمام افکار خودرا روی کاری که انجام می‌دهید، متمرکز کنید؛ پرتوهای خورشید تامتمرکز نشوند نمی‌سوزانند.

گراهام بل

اشاره

حسین شمسایی، شاهد عینی ماجرای هفتم تیر؛

بمب در جعبه روزنامه‌ها بود!

حسین شمسایی، بازمانده دفتر حزب جمهوری است؛ کسی که امروز خاطره تلخ روز هفتم تیر را برایمان روایت می‌کند

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، «معاون واحد تبلیغات حزب جمهوری بود. کار عکاسی و ضبط برنامه‌ها را بر عهده داشت. آن روز هم مثل دیگر یکشنبه‌هایی که به دفتر حزب می‌رفت، قرار بود در جلسه حاضر باشد اما یک پیشامد باعث شد به جای جلسه راه خانه را پیش بگیرد. حسین شمسایی، بازمانده دفتر حزب جمهوری است؛ کسی که امروز خاطره تلخ روز هفتم تیر را برایمان روایت می‌کند

حسین شمسایی نیاز به معرفی زیادی ندارد. چهره سرشناسی است در جامعه مداحان و البته بین مردان انقلابی. کسانی که او را می‌شناسند از فعالیت‌های فرهنگی‌اش خبر دارند و می‌دانند در بحبوحه درگیری‌های انقلاب یکی از اعضای کمیته استقبال از امام خمینی(ره) بوده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم به عنوان معاون واحد تبلیغات حزب جمهوری فعالیت می‌کرده است. شمسایی قبل از بیان خاطره تلخ روز هفتم تیر از اهمیت حزب جمهوری می‌گوید و اینکه چرا منافقان دست به چنین جنایتی زدند: «با پیروزی انقلاب اسلامی جمعی از روحانیون و افراد برجسته پیشنهاد دادند برای اداره کشور حزب جمهوری راه‌اندازی شود. انقلاب در تاریخ ۲۲ بهمن ۵۷ به پیروزی رسید و درست یک هفته بعد حزب جمهوری فعالیت خود را شروع کرد. با شکل‌گیری حزب سران این تشکل از همه افراد تحصیل کرده و با تجربه هم دعوت کردند تا با حضور در حزب طرح و پیشنهادهای خود را برای پیشبرد کارها و رفع مشکلات کشور ارائه دهند. افراد زیادی ثبت نام کردند. بین آنها نیروهای کارآمد و تأثیرگذار کم نبود در حزب جمهوری پیرامون مسائل روز صحبت می‌شد.»

۲۰ کیلوتی‌ان‌تی

حضور افراد برجسته اعم از مسئولان قوه قضاییه، نمایندگان، وزرا و دیگر نخبه‌های کشور در حزب جمهوری باعث تشویش منافقان شده بود. از این رو مترصد فرصت شدند تا این تشکل را از هم بپاشند. برای همین یکی از نیروهای خود به اسم محمدرضا کلاهی را به عنوان عامل نفوذی به حزب فرستادند. کلاهی جوانی بود پرکار و فعال. همه کاری انجام می‌داد؛ از نظافت سرویس‌های بهداشتی تا خرید و جاروکردن. در واقع یادویی می‌کرد. هیچکس گمان نمی‌کرد این فرد با آن همه خدماتی که می‌دریغ انجام می‌دهد منافق نفوذی باشد. شمسایی باقی ماجرا را تعریف می‌کند: «وقتی شش تیر به حضرت آقا سوقصد شد، فردای آن روز بسیاری از دوستان گفتند بهتر است جلسه برگزار نشود اما عده‌ای هم گفتند در هر شرایطی نباید آن را تعطیل کرد. برای همین جلسه برگزار شد. من هم به دفتر حزب رفتم تا طبق روال کارهای رسانه‌ای را انجام دهم. کلاهی عادت داشت هر هفته ویژه‌نامه‌هایی را که برای حزب تهیه می‌شد در یک جعبه مقوایی می‌گذاشت و به داخل سالن می‌آورد. بعد هم بولتن‌ها و روزنامه‌ها را بین اعضا توزیع می‌کرد. روز هفتم تیر هم همین کار را کرد. بچه‌های حراست هم تصور می‌کردند روزنامه است و داخل جعبه را نگاه نکردند. او جعبه را آورد و روی میز سخنرانی گذاشت. گویا یک جعبه هم داخل کانال کولر جاساز کرده بود. حدود ۲۰ کیلوتی‌ان‌تی که البته بعدا خودش گفته بود.»

کلاهی اصرار کرد بمانم اما...

ساعت ۲۱ روز هفتم تیر جلسه با قرائت قرآن شروع شد. قرار بود کاظم پور اردبیلی، وزیر بازرگانی، درباره مسائل اقتصادی صحبت کند. اما موضوع عزل بنی‌صدر پیش کشیده شد و به جای حسین کاظم‌پور اردبیلی، شهید بهشتی پشت تریبون قرار گرفت. در این لحظه گویا به شهید بهشتی الهام شده باشد. گفت: «دوستان بوی بهشت را استشمام می‌کنم.» و بعد صدای انفجار و آوارشدن ساختمان حزب جمهوری در این اقدام تروریستی این مجاهد به همراه ۷۲ تن از یارانش به شهادت رسید. اما ماوقع حادثه هفتم تیر که شمسایی تعریف می‌کند: «من هر یکشنبه در جلسات حضور داشتم چون مسئول ضبط برنامه بودم. آن روز هم طبق همیشه حضور داشتم. ساعت هفت عصر بود. در این حین آقای اکبرزاده یکی از دوستان قدیمی‌ام را دیدم. گفت موضوع سوقصد به آقا را متوجه شده و سراسیمه از مشهد آمدم برای عیادت. اما من را راه ندادند و گفتند یکی - دو روز دیگر می‌توانید ملاقات کنید. دیدم خسته است. گفتم امشب مهمان من باشید. سوار ماشین شدیم که به سوی منزل برویم. کلاهی من را دید. گفت: شمسایی کجا می‌روی؟ گفتم: مهمان دارم. می‌روم خانه. گفت: امشب عناصر غیر حزبی هم دعوت شدند. حیف است نباشید. دوستات را هم بیاورا گفتم نمی‌شود. من رفتم و ساعت ۹ گذشته بود که خبردار شدیم دفتر حزب منفجر شده است.»

گویا کلاهی با گذاشتن بسته‌های حاوی بمب به بهانه خرید بستنی از دفتر حزب بیرون آمده و ضامن بمب را منفجر می‌کند. شمسایی ادامه می‌دهد: «کلاهی به خارج از کشور رفت و همانجا به دست منافقان به درک واصل شد.»

گزارش روز

روزگار سپری شده کرونا

«هامعا از دورانی که کرونا ترس اصلی زندگی‌مان بود، گذشته. روزهایی پر از ترس و اضطراب و بیم از دست‌دادن زمانی‌هم چقدر این دوران برای شما بد و پر از تجربه از دست‌دادن جدایی و سوگ بوده اما قطعاً به همه ما آموخته که قدر داشته‌هایمان را بیشتر بدانیم به آنچه در زندگی به آن بی‌توجه بودماییم، بیشتر توجه کنیم و تجربه‌های بیشتری بیاندوزیم که گاه ناباورانه زندگی یادآور می‌شود فرصت اندک است.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، «فهمیدیم زندگی چیزهای زیادی غیر از آنچه هر روز می‌بینیم، برایمان دارد می‌خواهم از نازیست‌ها تجربه‌کرده‌ها و پشت گوش انداخته‌ها حرف بزنم. در دوره‌ای که اگر بتوان آن را - با قدری تخفیف - عصر پساکرونا نامید از آنچه کرونا از ما گرفت و آنچه به ما بخشید بگوییم. مگر می‌شود دو سال تمام از ترس، مرگ و از دست‌دادن شنید و خواند اما تغییری نکرد؟ مگر می‌شود از بحران به این بزرگی گذر کرد و دستاوردی را با خود نیاورد؟ «برای من کرونا دوره از دست‌دادن و با ترس زندگی کردن بود. من برادرم را از دست دادم و پدر و مادرم هم تا پای مرگ رفتند. روزهای کرونا برای من جزو سیاه‌ترین روزهای زندگی‌ام بود اما باور کن الان که کرونا فروکش کرده و یک جورهایی تمام شده می‌بینم همین دوران سیاه باعث شد زندگی را امروز جور دیگری ببینم. مثلاً الان وقتی به یک خورهمی کوچک می‌روم به چهره تک‌تک آدم‌ها با دقت نگاه می‌کنم. به حرف‌ها با دقت گوش می‌دهم. اصلاً همه چیز را طور دیگری می‌بینم. قدر همه چیز را بیشتر از قبل می‌دانم. کلی کار عقب‌افتاده داشتم که فکر می‌کردم وقت برای انجام‌دادنش دارم اما زمانی که برادرم را ظرف چند روز از دست دادم فهمیدم در زندگی زمان کافی نیست و هیچ چیز را نباید پشت گوش انداخت. حالا بیشتر از قبل زندگی می‌کنم. بیشتر از قبل از طلوع آفتاب لذت می‌برم. بیشتر از قبل از فنجان قهوه‌ام لذت می‌برم و از خداوند سپاسگزارم» این‌ها را زنی می‌گوید که یکی از عزیزانش را در دوره بحران کرونا از دست داد. الان در روزهایی که می‌توانیم آن را دوران پساکرونا بنامیم، شما چه تجربه‌هایی را به دست آوردید؟ «کرونا بیشتر از دو سال از زندگی‌ام را گرفت. سفر، شغل، معاشرت‌های جمعی و حتی تماشای بزرگ‌شدن برادرزاده‌ام را از دست دادم و نتوانستم در سوگواری عزیزانم شرکت کنم. کرونا حوصله من را گرفت. منزوی‌تر شدم و تمایلم به جمع‌های دوستانه کمتر شد. گویی آن زنجیر به‌هم‌پیوسته معاشرت‌ها قطع شده که امکان ترمیمش برای من سخت است. هنوز هم برای من رفتن بیرون سخت است و ترجیح شخصی خودم ماندن در خانه و فیلم‌دیدن و تجربه‌های فردی است نه گروهی. این از نظر من یک عیب است. انسان به انسان وابسته است و این انزوا نتیجه خوبی نخواهد داشت و تنیجه‌اش برای من نوعی رفتن به فاز نوستالی افسردگی و فکرهای بیهوده و رهاشدگی است. اما طرف مثبت ماجرای کرونا برای من ماندن در خانه و استفاده از امکانات خانه و لذت‌بردن از فعالیت‌های فردی بود.

چیزهایی که سال‌ها فراموش کرده بودم، این‌ها حرف‌های فریده است که هنوز از شوک دوره کرونا درنیامده است. برای مریم اما نه تنها دوره کرونا دستاوردهای زیادی داشته که این نتایج به این دوران یعنی دوره پساکرونا هم رسیده است: «در دوره کرونا همه ما تا حدی گیج و منگ بودیم. اتفاقی افتاده بود که بی‌سابقه بود. آدم‌ها توی خانه شروع به کارهایی کردند که تقریباً شبیه هم بود. مثل دیدن فیلم و سریال، کتاب‌خواندن، آشپزی‌کردن، شیرینی‌پختن، بازی‌های گروهی و انجام کارهای عقب‌افتاده مثل تعمیر وسایل خانه که مدت‌ها گوشه‌ای افتاده بود. من هم مثل خیلی‌های دیگر درگیر این جو بودم و پیش خودم می‌گفتم فقط این روزها را بگذرانم و استرسم را کم کنم و به تعذیه‌ام خوب رسیدگی کنم تا ایمنی بدنم پایین نیاید و مریض نشوم.» مریم اما وقتی احساس کرد این دوران طولانی‌تر شده تصمیمات دیگری گرفت: «از چند ماه قبل در آزمون ارشد ثبت نام کرده بودم ولی دو دل بودم تا اینکه سروکله کرونا پیدا شد و تصمیم گرفتم خیلی جدی از این فرصت استفاده کنم از طرفی دور کار هم شده بودم و این برای یک آدم شاغل فرصتی طلایی بود. اگر دوره کرونا پیش نمی‌آمد من نمی‌توانستم اینقدر جدی روی درس خواندن متمرکز شوم. مثلاً باید دوران عید را به دید و بازدید سپری می‌کردم و به شهرستان می‌رفتم اما عید آن سال همه‌اش متعلق به خودم بود. پس سعی کردم از این فرصت به بهترین نحو استفاده کنم و به خاطر کرونا آزمون هم عقب افتاد و این هم اتفاقی بود که به نفع من شد تا دانشگاه قبول شوم. شاید این دوره برای خیلی‌ها خوشایند نبود ولی برای من عالی بود و از این فرصت به بهترین شکل استفاده کردم و خوشبختانه نتیجه خوبی گرفتم و اعتمادبه‌نفس زیادی پیدا کردم چون قبلاً اصلاً فکر نمی‌کردم بتوانم این کار را انجام دهم. در واقع کرونا به من خدمت کرد. این تجربه روی همه مسائل دیگر زندگی‌ام اثر گذاشت و دیگر از هیچ کاری نمی‌ترسم. همواره فکر می‌کنم اگر از این مرحله گذر کردم، چرا از دیگر مراحل سخت زندگی گذر نکنم. این تجربه ماندگار دوره کرونا برای من بود.» مجید هم از آنهایی بود که با شروع کرونا دورکار شد. «فرنطینه که شروع شد همه ترس عجیبی داشتند. اصلاً کنار دنیا به پایان رسیده بود. فقط می‌خوردیم، می‌خوابیدیم و فکر می‌کردیم این تنها کاری است که به نفع ماست و بدنمان را اینطوری برای مقابله با بیماری آماده می‌کنیم. غافل از اینکه این رهاکردن باعث شد منزوی شویم. البته منزوی و بسیار چاق. بنابراین تصمیم گرفتم با این حالت مقابله کنم. پیاده‌روی را شروع کردم اما آن زمان پیاده‌روی هم با ماسک بود. اصلاً از کسی در فضای باز هم ماسک برمی‌داشت همه بدجور نگاهش می‌کردند. از طرفی باشگاه‌ها هم تعطیل بود پس من تصمیم گرفتم در خانه ورزش کنم. امکانات حداقلی مثل تشک و دمبل تهیه کردم و با برنامه‌های اینستاگرامی پیش رفتم و اگر باورتان بشود تا همین الان این برنامه روزانه و روتین زندگی‌ام شده و چنان نتیجه مثبتی گرفتم که دیگر حاضر نیستم به هیچ باشگاه ورزشی جمعی برگردم. کرونا باعث شد در همه فعالیت‌های فردی با خودم به آشتی و صلح برسم. مثلاً قبلاً حتی حاضر نبودم تنهایی فیلم هم نگاه کنم. فوری گوشی را برمی‌داشتم و دوستانم را دعوت می‌کردم یا برای اما در این دوره با فعالیت‌های انفرادی کنار آمدم که از همه مهم‌تر برایم ورزش مرتب و منظم بود. همین مسأله باعث شد یادگیری زبان را هم تایمی شروع کنم و پیشرفت خیلی خوبی هم بکنم. الان همه اینها برنامه روزمره زندگی‌ام شده و برای اتجاسش به هیچ باشگاه و کلاسی نیاز ندارم در هزینه‌ها هم صرفه‌جویی می‌شود. می‌گویند اگر سه ماه کاری را انجام بدهی برایت تبدیل به یک کار معمول روزانه می‌شود و به این راحتی‌ها ترکش نمی‌کنی. برای همین هم الان سفر هم که می‌روم وسایل ورزش و آموزش زبانم را همراهم می‌برم.» کرونا برای محسن دستاورد کاری منفی و مثبت داشت: «وقتی کرونا آمد یک مغازه کوچک لباس‌فروشی داشتم که ورشکسته شدم و مجبور شدم جمعش کنم همان موقع بود که کلی با خودم فکر کردم و فهمیدم همه چیز در دست خودم است. فرد زیادی به دست شماست و باید تفهیم کنید. حیدری همچنین در ادامه با اشاره به این که معاونان فنی معاونت بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی نبض کار و حلقه وصل وزارت بهداشت و بدنه سلامت و بهداشت کشور هستند، افزود: کلید اجرای برنامه‌های عملیاتی نتیجه بخش در دست معاونان فنی است و این معاونت‌ها نقش بسیار مهمی در سیستم ارزیابی برنامه‌ها دارند. وی با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص نظام شبکه بهداشت کشور، گفت: تقویت نظام شبکه فصل جدید و نقطه عطفی برای حوزه بهداشت است. معاون بهداشت وزارت بهداشت افزود: آنچه در نظام شبکه مهم است بحث ساختار فیزیکی است. متأسفانه بسیاری از مراکز استیجاری است و اگر استیجاری هم نباشد ظاهر خوبی ندارند و در شأن حوزه بهداشت که نهضتی در آن اتفاق افتاده نیست. حیدری خاطرنشان کرد: بسته‌های خدمتی و بستر الکترونیکی دو موضوع حائز اهمیت در تقویت نظام شبکه کشور محسوب می‌شوند که باید به هر دو توجه ویژه داشته باشیم.

مکث

واکسن آنفلوانزا با کاهش ۴۰ درصدی ریسک آلزایمر مرتبط است

بر اساس یک مطالعه جدید افرادی که حداقل یک واکسن آنفلوانزا دریافت کرده‌اند، ۴۰ درصد کمتر از همسالان خود که واکسینه نشده‌اند در طول یک دوره چهار ساله به بیماری آلزایمر مبتلا می‌شوند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ساینس دیلی، محققان دانشگاه تکزاس خطر بروز بیماری آلزایمر را بین بیماران با و بدون واکسیناسیون قبلی آنفلوانزا در یک نمونه بزرگ سراسری از بزرگسالان ۶۵ ساله و بالاتر مقایسه کردند.

«آورام بوکبیندر» سرپرست تیم تحقیق، می‌گوید: «ما دریافتیم که واکسیناسیون آنفلوانزا در افراد مسن خطر ابتلاء به بیماری آلزایمر را برای چندین سال کاهش می‌دهد. قدرت این اثر محافظتی با تعداد سال‌هایی که یک‌دوز واکسن آنفلوانزا استفاده دریافت می‌کند افزایش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، میزان ابتلاء به آلزایمر در بین افرادی که به طور مداوم واکسن آنفلوانزا را هر سال دریافت می‌کردند کمتربود.» محققان می‌گویند تحقیقات آینده باید ارزیابی کند که آیا واکسیناسیون آنفلوانزا با سرعت پیشرفت علائم در بیماران که به آلزایمر مبتلا هستند، مرتبط است یا خیر این مطالعه شامل ۹۳۵۸۸۷ بیمار واکسینه شده و ۹۳۵۸۸۷ بیمار غیر واکسینه شده بود در طی چهار سال پیگیری، حدود ۵.۱ درصد از بیماران واکسینه شده به بیماری آلزایمر مبتلا شدند. در همین حال، ۸۵ درصد از بیماران که واکسینه نشده بودند، در طول پیگیری به بیماری آلزایمر مبتلا شده بودند. به گفته محققان، این نتایج بر اثر محافظتی قوی واکسن آنفلوانزا در برابر بیماری آلزایمر تأکید می‌کند. با این حال، مکانیسم‌های اساسی در پشت این فرآیند نیاز به مطالعه بیشتر دارد.

قابل توجه

زباله‌های مادی، زباله‌های عقلی

«سیل زباله‌های مادی چیزی است که نباید آن را دست کم بگیریم. این سیل نواحی سرسبز بیرون شهر را به هم می‌ریزد و می‌تواند آب‌هوا را مسموم کند اما زباله عقلی خطرناک‌تر است چون ذهن را مسموم می‌کند و انسان‌هایی که ذهن‌شان مسموم است قادرند دست به اعمالی بزنند که پیامدهایش ممکن است تغییرناپذیر باشند.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از اعتماد، «یوان کلیما تابستان ۱۹۹۱ در چنین روزی نوشت: «اشغال به عنوان یکی از مشکلات دوره و زمانه‌مان توجهم را به خود جلب می‌کند. به عنوان یک مشکل و یک استعاره. یکبار هنگامی که مشغول تحقیق برای نوشتن یک رمان بودم، مدت کوتاهی به عنوان رفتگر خیابان کار کردم.»

نوشت که ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که زباله پشت زباله تولید می‌شود که: «ما در عصر تولید اضافی زندگی می‌کنیم به محض اینکه کالایی تولید می‌شود، به اشغال بالقوه بدل می‌گردد.»

شاید همیشه همینطور بوده و تفاوت امروز با گذشته «فقط در میزان و کیفیت کالایی است که تولید می‌شود.» در گذشته، آن هم نه گذشته‌های خیلی دور «اگر یک جفت کفش برای کار داشت و در صورتی که بشدت تهیدست نبود، یک جفت دیگر هم داشت که یکشنبه‌ها با آن به کلیسا می‌رفت. او به کفش خود عادت می‌کرد و کفش چندین سال دوام می‌آورد. وقتی تخت کفش خراب می‌شد، کفاش تخت‌های جدیدی به آن می‌زد. وقتی کفش بالاخره داغان می‌شد، احتمالاً به این دلیل بود که مغلوب پوسیدگی طبیعی می‌شد. اما امروز؟»

امروز معمولاً چنین نمی‌کنیم. به ندرت پیش می‌آید که چیزی را تا آنجا نگه داریم و تقریباً «از همه‌چیز، دیرزمانی پیش از آنکه خراب شوند، خسته می‌شویم و آنها نیز سریع‌تر از گذشته خراب می‌شوند. حتی وقتی از آنها خسته نمی‌شویم، می‌دانیم که ظرف چند ماه پس از خرید از مد خواهند افتاد.»

این واقعیت نه فقط درباره اشیا و کالاها که در مورد روح و ذهن هم صدق می‌کند و تولید اضافی اطلاعات و اندیشه‌ها فقط اندکی با تولید اضافی اشیا تفاوت دارد.

در هر دو مورد، کمیت جای کیفیت را گرفته است. قبلاً تعداد اندکی کتاب وجود داشت. تلویزیون که اصلاً نبود و روزنامه‌ها هم چند صفحه بیشتر نداشتند. اطلاعاتی که به مردم عرضه می‌شد کم بود اما آنها فرصت بیشتری برای سنجیدن آنچه دریافت می‌کردند داشتند اما هر چه جلوتر آمدیم، این شرایط تغییر کرد.

زمانه ما، زمانه متفاوتی شد. حالا «همه ما در سیلی از اطلاعات و اندیشه‌هایی زندگی می‌کنیم که اکثراً بعد از پدیدآمدن به زباله بدل می‌شوند.» مفاهیم پشت سر هم تولید و عرضه می‌شوند و بسیار زودتر از آنچه انتظارش را داریم از مُد می‌افتند و اعتبارشان را از دست می‌دهند. مردم هم شرایط متفاوتی ندارند.

«می‌بینیم که آنها چگونه به جنبش‌ها می‌پیوندند و آنگاه چند ماه بعد آنها را رها می‌کنند. فقط برای اینکه به جنبش‌های تازه‌ای ملحق شوند که شعارهایی جذاب‌تر اما به همان اندازه بی‌محتوا را ارایه می‌کنند. بعضی وقت‌ها انبوه مردم در حالی از مقابل پنجرهام رژه می‌روند که مدح و ستایش از عوامفریب‌ها را فریاد می‌زنند و به اندیشه‌های دیرزمانی مرده یا از مدافتاده‌ای می‌چسبند که قانع‌شان کرده‌اند نجات‌شان خواهند داد.»

کلیما نوشته‌اش را که نخستین بار با عنوان «تأملی کوتاه درباره اشغال» در روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندشاو منتشر شد با این جملات تمام می‌کند که «سیل زباله‌های مادی چیزی است که نباید آن را دست کم بگیریم. این سیل نواحی سرسبز بیرون شهر را به هم می‌ریزد و می‌تواند آب‌وهوا را مسموم کند اما زباله عقلی خطرناک‌تر است چون ذهن را مسموم می‌کند و انسان‌هایی که ذهن‌شان مسموم است قادرند دست به اعمالی بزنند که پیامدهایش ممکن است تغییرناپذیر باشند.»

رسانه چه خبر

کمتر از یک دهه برای جوانی جمعیت فرصت داریم

مهر: معاون بهداشت وزارت بهداشت، با تأکید بر اینکه برای نجات کشور از خطرات کاهش جمعیت کمتر از یک دهه فرصت داریم، گفت: بحث جوانی جمعیت یک بحث فرهنگی، استراتژیک و حیاتی است. کمال حیدری، در کارگاه دو روزه آموزشی معاونان فنی معاونت بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در هتل قلب بیمارستان شهید رجایی، با اشاره به طرح ملی جوانی جمعیت اظهار داشت: برای نجات جمعیت ایران کمتر از یک دهه زمان داریم و اگر نتوانیم کاهش مسئله جمعیت را به افزایش جمعیت تغییر معکوس دهیم کشور دارای ضررهای هنگفت و آسیب‌های زیادی خواهد شد. وی افزود: بحث جوانی جمعیت یک بحث فرهنگی، استراتژیک و حیاتی است و باید جدی‌تر به این مسئله وارد شده و این موضوع را نهادینه کنیم.

معاون بهداشت وزارت بهداشت، با بیان اینکه وزارت بهداشت در امر جوانی جمعیت مسئولیت مستقیم دارد، گفت: همه واحدهای مربوط به سلامت و بهداشت کشور باید در بحث اقناع کردن عمومی فرزندآوری فعال شوند چرا که تغییر نگرش جامعه در مورد فرزندآوری به دست شماست و باید تفهیم کنید. حیدری همچنین در ادامه با اشاره به این که معاونان فنی معاونت بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی نبض کار و حلقه وصل وزارت بهداشت و بدنه سلامت و بهداشت کشور هستند، افزود: کلید اجرای برنامه‌های عملیاتی نتیجه بخش در دست معاونان فنی است و این معاونت‌ها نقش بسیار مهمی در سیستم ارزیابی برنامه‌ها دارند. وی با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص نظام شبکه بهداشت کشور، گفت: تقویت نظام شبکه فصل جدید و نقطه عطفی برای حوزه بهداشت است. معاون بهداشت وزارت بهداشت افزود: آنچه در نظام شبکه مهم است بحث ساختار فیزیکی است. متأسفانه بسیاری از مراکز استیجاری است و اگر استیجاری هم نباشد ظاهر خوبی ندارند و در شأن حوزه بهداشت که نهضتی در آن اتفاق افتاده نیست. حیدری خاطرنشان کرد: بسته‌های خدمتی و بستر الکترونیکی دو موضوع حائز اهمیت در تقویت نظام شبکه کشور محسوب می‌شوند که باید به هر دو توجه ویژه داشته باشیم.

کووید۱۹ ریسک آلزایمر و پارکینسون را افزایش می‌دهد

هلت لاین: محققان کشف کردهاند افرادی که مبتلا به کووید۱۹ شدهاند در معرض خطر بیشتر ابتلاء به پارکینسون، آلزایمر و سکته مغزی ایسکمیک هستند. محققان می‌گویند که از قبل می‌دانستند کووید۱۹ می‌تواند علائم پارکینسون را در افراد مبتلا به این بیماری تشدید کند. مطالعه جدید محققان دانمارکی نشان داد افرادی که تست کووید۱۹ شان مثبت بود در معرض خطر ابتلاء به بیماری آلزایمر، بیماری پارکینسون، سکته مغزی ایسکمیک و خونریزی در مغز هستند. این مطالعه شامل ۴۲۳۷۵ فرد مبتلا به کووید۱۹ و ۸۷۶۳۶۵ فرد بدون این بیماری بودمحققان گزارش دادند افرادی که آزمایش آنها مثبت بود بین ۲ تا ۲ برابر بیشتر در معرض خطر سکته مغزی ایسکمیک بودند به ویژه در افراد جوان‌تر این خطر بیشتر بود. آنها همچنین افزایش قابل توجهی در میزان تشخیص آلزایمر و پارکینسون یک سال پس از عفونت کووید۱۹ مشاهده کردند. دکتر «پردیس ظریف کار»، نویسنده اصلی این مطالعه و یکی از اعضای گروه نورولوژی در بیمارستان ریگشاسپیتالت در کپنهاگ دانمارک گفت: «هر حالی که مطالعات قبلی ارتباط کووید۱۹ با سندرم‌های عصبی را نشان داده‌اند اما مشخص نیست که آیا کووید۱۹ بر بروز بیماری‌های عصبی خاص تأثیر می‌گذارد و آیا با سایر عفونت‌های تنفسی رایج متفاوت است» با این حال، افزایش خطر ابتلاء به بیماری‌های عصبی در افراد مبتلا به کووید۱۹ بیشتر از افرادی بود که به آنفلوانزا یا فلاتالریایی آلوده شده بودند. ظریف کار توضیح داد: «ارتباط بین آنفلوانزا و پارکینسون قبلاً ثابت شده است. اگرچه مشخص شده است که واکسن‌های آنفلوانزا خطر ابتلاء به آلزایمر را کاهش می‌دهند.» محققان بر انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه تأکید دارند.

آبله میمونی در حال حاضر تهدیدی برای سلامت جهان نیست

مدیسن نت: سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: شیوع آبله میمونی باید به دقت تحت نظر باشد، اما در حال حاضر این یک وضعیت اضطراری جهانی نیست. کمیته اضطراری سازمان جهانی بهداشت توضیح داد که آبله میمون یک بیماری است که مدت‌ها نادیده گرفته شده و بومی برخی از کشورهای آفریقایی است. این کمیته افزود: شیوع فعلی که بیش از ۳۰۰۰ نفر را در بیش از ۵۰ کشور درگیر می‌کند "غیر معمول" است. این کمیته گفت: «اگرچه شیوع بیماری هنوز یک وضعیت اضطراری بهداشتی نیست، اما این تصمیم باید چند هفته دیگر دوباره بررسی شود.» طبق این گزارش، در صورت بروز هرگونه تحول جدید، می‌توان مجدداً شرایط را ارزیابی کرد. این معیارها شامل گسترش به کشورهای دیگر یا گسترش بیشتر در داخل کشورها، افزایش شدت موارد، افزایش نرخ شیوع موارد در میان کارگران جنسی می‌شود. سازمان جهانی بهداشت گفت: «هر حالی که تعداد کمی از اعضا نظرات متفاوتی را بیان کردند، کمیته با اجماع تصمیم گرفت تا به مدیرکل سازمان جهانی بهداشت توصیه کند که در این مرحله باید تشخیص داده شود که شیوع بیماری یک وضعیت اضطراری بهداشت جهانی محسوب نمی‌شود.» «تدروس آدهانوم گهبریسوس»، مدیر کل سازمان جهانی بهداشت، خاطرنشان کرد که کنترل گسترش نیاز به واکنش شدید دارد. او تاکید کرد: «این امر مستلزم توجه جمعی و اقدام هماهنگ ما در حال حاضر برای جلوگیری از گسترش بیشتر ویروس آبله میمون با استفاده از اقدامات بهداشت عمومی از جمله نظارت، ردیابی تماس، ایزوله سازی و مراقبت از بیماران، و اطمینان از در دسترس بودن ابزارهای بهداشتی مانند واکسن‌ها و درمان‌ها برای جمعیت‌های در معرض خطر است.»

اهداء خون اهداء زندگی